

« زن و مطالعات خانواده »

سال هفتم - شماره بیست و نهم - پاییز 1394

ص ص: 41-52

تاریخ دریافت: 94/4/25

تاریخ پذیرش: 94/11/18

اثربخشی آموزش مولفه‌های نظریه معکوس بر خلاقیت دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان ارومیه

راضیه نوروزبخش¹

دکتر علی نقی اقدسی²

چکیده

هدف از پژوهش حاضر عبارت بود از تعیین اثربخشی آموزش مولفه‌های نظریه معکوس بر خلاقیت دانش‌آموزان مقطع متوسطه. روش مورد استفاده از نوع طرح‌های نیمه آزمایشی، روش پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های ناحیه 1 شهرستان ارومیه در سال تحصیلی 93-94 می‌باشد. روش انتخاب نمونه، نمونه‌گیری در دسترس بود یکی از دبیرستان‌های ناحیه 1 انتخاب شد و حجم نمونه مورد نظر 30 نفر می‌باشد که 15 نفر برای گروه گواه و 15 نفر برای گروه کنترل بطور تصادفی انتخاب گردید. از پرسشنامه‌های آزمون خلاقیت تورنس (عابدی) استفاده شد. در این پژوهش به منظور تعیین اثر بخشی آموزش مولفه‌های نظریه معکوس بر خلاقیت در گروه آزمایش و مقایسه آن با گروه کنترل از آمار توصیفی (شاخص‌های توزیع فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار) و در سطح آمار استنباطی از تحلیل کوواریانس با رعایت پیش فرض‌ها استفاده شد. نتایج کلی پژوهش حاضر نشان داد که آموزش مولفه‌های نظریه معکوس بر خلاقیت، میزان انعطاف‌پذیری، ابتکار، سیال بودن و میزان بسط دادن دانش‌آموزان به طور معنادار موثر است.

واژه‌های کلیدی: نظریه معکوس، خلاقیت، میزان انعطاف‌پذیری، ابتکار، سیال بودن، میزان بسط دادن

1. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

rnorzbakhsh@yahoo.com

Alinaghi. aghdasi@yahoo.com

2. استادیار گروه مشاوره، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

مقدمه

عالی‌ترین هدف آموزش و پرورش در تمامی سطوح تحصیلی، ایجاد توانایی در حل مسئله و آفرینندگی در یادگیرندگان است. از راه ایجاد این توانایی‌ها در دانش‌آموزان، می‌توان آنان را برای برخورد درست با شرایط متغیر زندگی و موقعیت‌های جدیدی که به طور مرتب با آنها روبرو خواهند شد، آماده کرد (سیف، 1385). در خصوص خلاقیت تعاریف زیادی وجود دارد. تورنس (1962)، خلاقیت را به عنوان نوعی مسأله‌گشایی مد نظر قرار داده است. به نظر وی تفکر خلاق به طور مختصر عبارتست از فرایند حس کردن مسائل یا کاستی‌های موجود در اطلاعات، فرضیه‌سازی درباره حل مسائل و رفع کاستی‌ها، ارزیابی و آزمودن فرضیه‌ها، بازنگری و بازآزمایی آنها و سرانجام انتقال نتایج به دیگران. راهبردهایی که می‌تواند خلاقیت کودکان را فعال سازد، فراهم نمودن محیطی که محرک خلاقیت است، عدم کنترل بیش از حد در کلاس، تشویق انگیزش درونی، پرورش تفکر عملی و قابل انعطاف، معرفی کردن افراد خلاق و یک الگوی خلاق برای شاگردان، می‌باشد (سانتروک¹، 2004). محیط‌ها فرصت‌هایی را از طریق رفع محدودیت‌ها و پاداش دادن‌ها برای شکوفایی خلاقیت فراهم می‌نماید (آماییل، 1999) همچنین نتایج پژوهش آماییل (1999) موارد زیر را به عنوان عوامل موثر در خلاقیت بیان نمود. الف: برخی از عوامل محیطی خلاقیت عبارتند از: آزادی، منابع کافی، دقت کافی، جو مناسب، طرح تحقیق مناسب و فشار (بعضی از فشارها می‌تواند محرک خلاقیت باشد). ب: جنبه‌های شخصی و فردی مطلوب در فرآیند خلاقیت عبارتند از: ویژگی‌های شخصیتی متنوع، خود انگیزی، توانایی‌های شخصیتی، تمایل به خطر کردن، تخصص در رشته و تجارب متنوع ج: مهمترین عوامل فردی عبارتند از: هوش، ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه درونی د: از عوامل اصلی اجتماعی موثر بر خلاقیت خانواده، مدرسه و دانشگاه بیان نموده است.

یکی از نظریاتی‌های که می‌تواند برای افزایش انگیزه تحصیلی و تقویت خلاقیت استفاده شود نظریه معکوس است. این نظریه بوسیله مایکل اپتر در سال 1976 مطرح شد (کر، 1997). نظریه معکوس به میدان پدیداری فرد توجه و ساختار می‌بخشد و معتقد است که در میدان پدیداری فرد چهار جفت از حالات فرا انگیزشی وجود دارند و رفتار ما متأثر از آنها می‌باشد (اپتر، 1997). در هر جفت، دو حالت، بر اساس نگاه و ادراک فرد نسبت به واقعه، به شکل متضاد و دوگانه وجود دارند. نظریه معکوس بیان می‌کند انسان موجودی دو ثباته است که دنیا را در سبک دو گانه‌ای تجربه می‌کند و این شیوه‌های متضاد تجربه کردن برای

1. Santrock, J. W

سلامت روانی ضروری است (اپتر، کر، کولز، 1988). این حالت‌های عبارتند از: 1- حالت فعالیت مدار متمرکز بر لذت¹ / حالت هدف مدار² جدیت، 2- حالت تاییدکننده سازشگر³ / حالت مخالفت کننده⁴ استقلال طلب، 3- حالت غالب سلطه گر⁵ / حالت همدرد⁶، 4- حالت خود مدار⁷ / حالت دیگر مدار⁸. نظریه معکوس به موضوعات و زمینه‌های مختلفی توجه می‌نماید که عبارتند از: انگیزش، شخصیت، برانگیختگی، هیجان‌ات، استرس، مشاوره و اعتیاد. اصطلاحاتی نظیر تنوع روانی و قابلیت تغییر پذیری انگیزشی نیز از جمله مفاهیم مورد تاکید این نظریه می‌باشند (فری و اپتر، 1997). بر این اساس با توجه به اینکه تحقیقات مختلف نشان داده که نبود انگیزه تحصیلی و فقدان خلاقیت آسیب جدی به پیشرفت فرد و ترقی آموزش و پرورش وارد می‌کند (سیف، 1385) و با توجه به اینکه به نظر می‌رسد بیشترین آسیب پذیری در دوره نوجوانی و جوانی¹⁰ صورت می‌گیرد و دوره نوجوانی یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های زندگانی محسوب می‌شود (نقل از صادقان و همکاران، 1389). این ضرورت پیش می‌آید که به دنبال نظریات علمی نوین و راهکارهای لازم در جهت تقویت خلاقیت دانش آموزان باشیم از این رو سوالی که پژوهشگر به دنبال بررسی آن است عبارت است از اینکه آیا آموزش مولفه‌های نظریه معکوس بر خلاقیت دانش آموزان تاثیر دارد؟

ابزار پژوهش

روش مورد استفاده از نوع طرح‌های نیمه آزمایشی، روش پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل می‌باشد.

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر دبیرستان‌های ناحیه 1 شهرستان ارومیه در سال تحصیلی 93-94 می‌باشد. روش انتخاب نمونه، نمونه گیری در دسترس بود یکی از دبیرستان‌های ناحیه 1 انتخاب شد و حجم نمونه مورد نظر 30 نفر می‌باشد که 15 نفر برای گروه گواه و 15 نفر برای گروه کنترل بطور تصادفی انتخاب گردید برای انتخاب از فراخوان استفاده شد. بر این اساس از میان کسانی که داوطلب

1 . Paratelic

2. Telic

3 . Conformity

4 . Negativism

5 . Mastery

6 . Sympathy

7 . Autic

8 . Alloic

9 . Frey&Apter

10 Adolescence and young

شده بودند 30 نفر انتخاب و به شکل تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایشی قرار داده شدند که 15 نفر برای گروه آزمایش و 15 نفر برای گروه کنترل انتخاب شد قبل از آموزش مولفه‌های نظریه معکوس برای گروه آزمایش و کنترل، پیش آزمون پرسشنامه خلاقیت گرفته و پس از آموزش برای گروه آزمایش مجدداً پس آزمون بر روی دو گروه به عمل آمد. لازم بذکر است که آموزش مولفه‌های نظریه معکوس فقط برای گروه آزمایش اجرا گردید. پرسشنامه استاندارد به شرح زیر مورد استفاده قرار گرفت:

آزمون خلاقیت تورنس (عابدی): منظور از خلاقیت در این پژوهش، نمرات دانش آموزان براساس پرسشنامه خلاقیت تورنس (عابدی) است. این آزمون حاوی 60 سؤال است، که به ترتیب چهار مؤلفه سیال بودن، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط را اندازه می‌گیرد. هر سؤال دارای 3 گزینه الف، ب و ج است که به ترتیب، نمره 1 و 2 و 3 به آنها تعلق می‌گیرد. جمع نمرات در چهار مؤلفه یاد شده، نمره کل خلاقیت دانش آموزان می‌باشد. منظور از سیال بودن در این پژوهش، نمره کسب شده دانش آموزان در سؤال‌های شماره 1 تا 22 و دامنه نمرات در این مؤلفه 22 تا 66، منظور از ابتکار نمره کسب شده دانش آموزان در سؤال‌های شماره 23 تا 33 و دامنه نمرات در این مؤلفه 11 تا 33، منظور از انعطاف پذیری، نمره کسب شده دانش آموزان در سؤال‌های شماره 34 تا 49 و دامنه نمرات در این مؤلفه 16 تا 48، همچنین منظور از بسط در این پژوهش، نمره کسب شده دانش آموزان در سؤال‌های شماره 50 تا 60 آزمون خلاقیت عابدی و دامنه نمرات در این مؤلفه 11 تا 33 است. عابدی پایایی این آزمون را براساس آلفای کرونباخ در چهار مؤلفه سیال بودن، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط به ترتیب (61/0، 67/0، 61/0 و 75/0) گزارش کرده است. وی نیز برای بررسی روایی این آزمون روش همبستگی گشتاوری بین این آزمون و آزمون‌های ملاک را به کار گرفت.

یافته‌ها

آزمون کالموگروف - اسمیرنوف

با استفاده از آزمون کالموگروف - اسمیرنوف به بررسی نرمال بودن داده‌ها می‌پردازیم. با توجه به نتایج جدول 3-4 چون مقدار سطح معنی داری برای تمامی مؤلفه‌ها بزرگتر از مقدار خطا 0/05 است. بنابراین توزیع فراوانی گویه‌های متغیر خلاقیت دارای توزیع نرمال می‌باشد.

جدول 3-4: آزمون کولموگروف - اسمیرنف

خلاقیت				
مرحله	گروه	آماره	درجه آزادی	سطح معنی داری
پیش آزمون	کنترل	0/110	15	0/150
	آزمایش	0/077	15	0/150
پس آزمون	کنترل	0/112	15	0/150
	آزمایش	0/121	15	0/150

فرضیه 1: آموزش مؤلفه‌های نظریه معکوس بر میزان انعطاف پذیری دانش آموزان پسر چهارم دبستان تأثیر دارد.

پس از اطمینان از برقراری کلیه مفروضه‌های تحلیل کوواریانس در داده‌های مربوط به خلاقیت، انجام تحلیل منجر به نتایج جدول 4-5 شد. نتایج جدول، اثر معنی دار آموزش مؤلفه‌های نظریه معکوس در مؤلفه انعطاف پذیری خلاقیت را نشان می‌دهد.

جدول 1-4: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس پس آزمون دوگروه با کنترل اثر پیش آزمون

متغیر وابسته: انعطاف پذیری خلاقیت - پس آزمون

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره فیشر	سطح معنی داری	ضریب تأثیر ایستا
الگوی تصحیح شده	527/910	2	326/955	41/423	0/000	0/367
مقدار ثابت	9110/303	1	9110/303	36/764	0/000	0/543
پیش آزمون	32/743	1	32/743	1/287	0/233	021
گروه	527/739	1	527/739	31/745	0/000	67/38

فرضیه 2: آموزش مؤلفه‌های نظریه معکوس بر ابتکار دانش آموزان تأثیر دارد.

جدول 6-4، اثر معنی دار آموزش مؤلفه‌های نظریه معکوس در ابتکار را نشان می‌دهد.

جدول 2-4: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس پس آزمون دو گروه با کنترل اثر پیش آزمون
متغیر وابسته: ابتکار خلاقیت – پس آزمون

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره فیشر	سطح معنی داری	ضریب تأثیر ایتا
الگوی تصحیح شده	812/337	2	140/668	81/048	0/000	0/401
مقدار ثابت	177/204	1	177/204	98/948	0/000	0/564
پیش آزمون	1/170	1	1/170	0/150	0/671	0/004
گروه	812/160	1	812/160	36/074	0/000	0/418

فرضیه 3: آموزش مؤلفه‌های نظریه معکوس بر سیال بودن دانش آموزان تأثیر دارد.

نتایج جدول 3-4، اثر معنی دار آموزش مؤلفه‌های نظریه معکوس در خلاقیت را نشان می‌دهد.

جدول 3-4: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس پس آزمون دو گروه با کنترل اثر پیش آزمون
متغیر وابسته: سیال بودن خلاقیت – پس آزمون

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره فیشر	سطح معنی داری	ضریب تأثیر ایتا
الگوی تصحیح شده	340/928	2	170/464	6/660	0/002	0/200
مقدار ثابت	9017/245	1	9017/245	70/793	0/000	0/577
پیش آزمون	24/243	1	24/243	1/576	0/205	0/031
گروه	312/828	1	312/828	9/649	0/004	0/155

فرضیه 4: آموزش مولفه‌های نظریه معکوس بر بسط دادن دانش آموزان تأثیر دارد.

پس از اطمینان از برقراری کلیه مفروضه‌های تحلیل کوواریانس در داده‌های مربوط به خلاقیت، انجام تحلیل منجر به نتایج جدول 9-4 شد. نتایج جدول، اثر معنی دار آموزش مولفه‌های نظریه معکوس در مولفه بسط خلاقیت را نشان می‌دهد و با توجه به ضریب ایتا می‌توان گفت آموزش مولفه‌های نظریه معکوس پس از تعدیل اثر پیش آزمون، 51.3 درصد واریانس نمره پس آزمون را تبیین می‌کند.

جدول 9-4: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس پس آزمون دو گروه با کنترل اثر پیش آزمون متغیر وابسته :

بسط- پس آزمون						
منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	سطح معنی داری	ضریب تأثیر ایتا	
الگوی تصحیح شده	306/479	2	315/239	0/000	0/471	15/589
مقدار ثابت	366/251	1	366/251	0/000	0/483	104/628
پیش آزمون	37/127	1	37/127	0/088	0/054	2/896
گروه	627/041	1	627/041	0/000	0/513	17/910

بحث و نتیجه گیری**فرضیه اصلی**

1. آموزش مولفه‌های نظریه معکوس بر انعطاف پذیری دانش آموزان تأثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیقات اقدسی (1389)، مورگاترود (1981)، مک آلیستر و مککینن (2008) و عرب زاده، کدیور، نگهبان سلامی و نوروزی (2011) همخوانی دارد. نتایج تحقیق اقدسی (1389) در زمینه تأثیر مشاوره فردی و گروهی با استفاده از تئوری معکوس در کاهش استرس ورزشکاران تیم ملی نشان داد که تئوری معکوس می‌تواند به عنوان یکی از تئوری‌های موثر در مشاوره فردی و گروهی برای رفع استرس با ورزشکاران مورد استفاده قرار گیرد. تحقیقات مبتنی بر دید نظریه معکوس بیانگر این مسئله هستند که تحرک، تغییر و پویایی جزء خصوصیت طبیعی انسان به شمار می‌رود و چنانچه انسان در حالت ثابتی باقی بماند و انعطاف‌پذیری لازم برای تغییر نمودن نداشته باشد احتمال دارد واقعا با مشکل مواجه گردد.

2. آموزش مؤلفه‌های نظریه معکوس بر ابتکار دانش آموزان تاثیر دارد.
این یافته با نتایج تحقیقات فونتانا و ولنتا (1993)، سربوستو، شفالی و همکاران (2010) و چنگ (2010) همخوانی دارد.
- فونتانا و ولنتا¹ معتقدند هنگامی که افراد در معکوس شدن بین حالت‌های ذهنی ناتوان باشند دچار استرس و خستگی مفرط می‌شوند و پیوسته در یک حالت یکنواخت و با استرس زیاد باقی می‌مانند (فونتانا و ولنتا، 1993).
- سربوستو، شفالی و همکاران (2010) در پژوهشی با عنوان اثر متقابل توانائی‌های عاطفی و شناختی شرکت کننده در خلاقیت، در افراد دو قطبی نشان دادند که پرداختن به مهارت‌های شناختی و عاطفی و استفاده به موقع از آنها برای تغییر، موجب افزایش خلاقیت در این افراد می‌شود.
- چنگ (2010) در پژوهشی با عنوان برانگیختن خلاقیت در کلاس‌های خاور شرقی اذعان نمود که در کشورهای آسیائی نظم یکی از عوامل مهم در تدریس می‌باشد در حالی که نظم یکی از موانع خلاقیت است. نتیجه این پژوهش نشان داد در دانش آموزان کشورهای شرقی ریسک پذیری، تغییر نمودن و به چالش کشیدن اقتدار، ضعیف نگاه داشته شده و باید برنامه‌های آموزشی تغییر کند و موانع فرهنگی مهار شود تا خلاقیت دانش آموزان شکوفا گردد.
3. آموزش مؤلفه‌های نظریه معکوس بر سیال بودن دانش آموزان تاثیر دارد.
این یافته با نتایج تحقیقات اپتر (1990 الف، 2001 ب) و اپتر، کرو کولز (1988) همخوانی دارد.
- اپتر در درمان ناراحتی‌های ناشی از اضطراب از راهبردهایی نظیر گشتالت‌درمانی، تکنیک قصد متناقض فرانکل، تکنیک‌های درمان عقلی، عاطفی و حتی شوخی و ورزش کردن استفاده نمود. به‌وسیله این روش‌ها افراد به تدریج از حالت هدف‌مدار به حالت فعالیت‌مدار تغییر جهت می‌دادند و از میزان اضطراب آنها کاسته می‌شد.
- تحقیقات مختلف نشان داده است رشد و پیشرفت تا حدود زیادی به تجربه کردن حالت‌های متضاد ذهنی وابسته است. افراد دنیا را در سبک دوگانه‌ای تجربه می‌کنند و این شیوه‌های متضاد تجربه کردن برای سلامت روانی ضروری هستند.
4. آموزش مؤلفه‌های نظریه معکوس بر بسط دادن دانش آموزان تاثیر دارد.
این یافته با نتایج تحقیقات کومک و بورماکا (1997)، محمد داودی و مقیمی (1391) و وونگ (2003) همخوانی دارد.

در تحقیقی تحت عنوان توصیف رابطه بین تنوع حالات ذهنی و فرآینگیزی و میزان شدت خشم احساس شده در موقعیت‌های تحریک برانگیز، نتایج نشان داد که گوناگونی و تنوع حالات ذهنی در مقابل مطلق‌گرایی و تنگ‌نظری یک عامل عمده جهت یکپارچگی هویت نوجوانان محسوب می‌گردد. نتایج تحقیقات محمد داودی و مقیمی (1391) در زمینه ارزیابی مدل فعالیت‌های یادگیری خلاقیت محور در دانش آموزان مدارس ابتدائی شهرستان ساوره نشان داد که آموزش مهارت‌های شناختی و فراشناختی بر خلاقیت دانش آموزان تاثیر مثبتی دارد. یافته‌های وونگ (2003) انگیزه و خلاقیت بیانگر این است که تغییر ابعاد انگیزشی فرد نقش اساسی در تغییر خلاقیت و قدرت بسط دهی فرد دارد.

نتایج کلی پژوهش حاضر نشان داد که آموزش مؤلفه‌های نظریه معکوس بر خلاقیت، میزان انعطاف پذیری، ابتکار، سیال بودن و میزان بسط دادن دانش آموزان بطور معنادار موثر است. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های تحقیقات اقدسی (1389)، کومک و بورماکا (1997)، محمد داودی و مقیمی (1391)، وونگ (2003)، اپتر (2001)، دفرویتومرویدل (1996)، دونیی (2005)، چنگ (2010)، وونگ (2003) و هنسی (2000) همخوانی دارد.

در تبیین کلی این نتایج می‌توان به موارد زیر اشاره نمود. تئوری معکوس یک نظریه‌ی روانشناختی در مورد انگیزش و تغییر و انعطاف پذیری است و در حقیقت یک دیدگاه کلی و عمومی از رفتار و تجربه‌ی بشری ترسیم کرده، که هر فرد می‌تواند تجربه و احساس خویش را تحلیل کند. بر مبنای این تئوری ضمن اینکه همه مادر زمان‌های مختلف متفاوت عمل می‌کنیم، لحظه به لحظه هم ممکن است متفاوت عمل کنیم، حتی این امکان وجود دارد که رفتار ما ضد و نقیض بوده و در شرایط یکسان رفتارهای متفاوتی را از خود نشان دهیم (کریمی ثانی، 1386). پاسونز (1975) معتقد است یکی از انواع مشکلات مردم، دومقوله‌گی خود می‌باشد که نوع دیگری از چند پارگی است. یک نوع دیدن و مشاهده خود آن هم تنها در یکی از دو قطبی کیپوستار مانند قوی یا ضعیف، مردانه یا زنانه، با قدرت یا بی قدرت. از دید هگل تجربه نمودن متضادها و حالت‌های دو گانه باعث رشد و پیشرفت می‌شود. تضاد، در رویکرد یونگ به شخصیت به عنوان یک نوع عامل زیربنایی یاد شده است. تضاد در هر قسمت از روان وجود دارد و در حقیقت منبع انرژی روانی است. یونگ معتقد است هرگاه این تضادها بیش از حد شدید و یا حاد باشند ممکن است روی روان اثر سوء بگذارند و حاصل، رفتار روان رنجوری یا روانپریشی است.

بر این اساس تغییر و انعطاف پذیری مناسب و به موقع بر مبنای نظریه معکوس می‌تواند میزان خلاقیت را افزایش دهد. عدم اتکای بیش از حد به یکی از حالات فرآذهنی و قطب‌ها و استفاده کافی و متناسب از آنها زمینه افزایش بهداشت روانی و به دنبال آن تحرک و هدفمندی را بوجود می‌آورد بدین صورت دانش

آموز از ابتکار و انعطاف کافی برخوردار و دارای انگیزش خواهد بود. بر این مبنای، به مراکز آموزش و پرورش و کلیه دستگاه‌ها، ارگان‌ها و نهادهای مرتبط با امور دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود به منظور ارتقاء کیفی خلاقیت و انگیزش تحصیلی، مؤلفه‌های نظریه معکوس استفاده نمایند.

منابع

- اقدسی، علی نقی. (1389). تاثیر مشاوره فردی و گروهی با استفاده از تئوری معکوس در کاهش استرس ورزشکاران تیم-های ملی. **فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز**، سال پنجم شماره 18 صص 31-49.
- آماپیل، ترازا. (1999). **شکوفایی خلاقیت**. ترجمه: قاسم زاده و عظیمی. تهران: نشر دنیای نو.
- تورنس، ئی پال. (1962). استعدادها و مهارتهای خلاقیت. ترجمه: حسن قاسم زاده. تهران: نشر دنیای نو.
- سیف، علی اکبر. (1385). **روانشناسی پرورشی**. تهران: انتشارات آگاه.
- شولتز، دوان. (1990). **نظریه‌های شخصیت**. ترجمه: یوسف کریمی و همکاران، تهران، انتشارات: نشر ارسباران.
- شیلینگ، لوئیس. (1984). **نظریه‌های مشاوره**. ترجمه: سیده خدیجه آرین، 1382، تهران، انتشارات: اطلاعات.
- صادقیان، عفت؛ مقدری کوشا، مهناز و گرجی، سمیرا. (1389). بررسی وضعیت سلامت روانی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر همدان در سال تحصیلی 1388-1387. **مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی همدان**، دوره هفدهم، شماره 3، 39-46.
- عابدی، جمال. (1372). خلاقیت و شیوه‌های نو در اندازه‌گیری آن. **مجله پژوهش‌های روانشناختی**، شماره 3 صفحه 46 تا 54.
- کریمی ثانی، پرویز. (1386). **اثربخشی آموزش مؤلفه‌های نظریه معکوس بر کاهش میزان اضطراب دانشجویان دانشگاه تربیت معلم آذربایجان**. تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- میلیان، عاطفه؛ گرجی، یوسف و سدریان، نجمه. (1392). **تاثیر آموزش ذهن آگاهی بر افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اصفهان**. کتاب چکیده ششمین همایش بین‌المللی روانپزشکی کودک و نوجوان تبریز.

- محمد داودی، امیرحسین و مقیمی منصوره. (1391). ارزیابی مدل فعالیت‌های یادگیری خلاقیت محور در دانش آموزان مدارس ابتدائی شهرستان ساوه. فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد مرودشت. سال چهارم. شماره 1. صص 167-182.

Amabile, T. M. (1990). **Within you, without you: The social psychology of creativity and beyond.** In M. A. Runco, & R. S. Albert, (Eds.), *Theories in creativity* (pp. 61-90). Yhousnd Oaks: Sage.

Arabzadeh, M . Kadivar, P. Negahban Salami ,M & Noroozi ,N. (2011). **Study Effect Training of Creative Self-acting in Increase Creativity of University .** Collection of Papers The 3rd National Conference on Education(In Persian).

Apter, M. J. (1997). **Reversal theory: what is it?** *Psychologist*. 10(5). May. 217. 220.

Apter, M. J. (2001). **Motivational styles in every day life American psychological association.** Apter International. Ltd.

Apter, M. J. (1992). **The Dangerous Edge: The psychology of excitement.** Newyork, NY: The freepress.

Apter, M. J. , Kerr. J. H. , & Cowles, M. P. (1988). **Progress in Reversal Theory.** North-Holland Amsterdam. New York Tokyo.

Gheng ,Ch. (2010). **Creativity in Early Childhood Education: Teachers' Perceptions in Three Chinese Societies .** *Thinking Skills and Creativity* . 5(2). p49-60. (Retrieved Jan2011, from [www. sciencedirect. com](http://www.sciencedirect.com)).

Hennessey, B. A. (2000). **Self-determination theory and the social psychology of creativity.** *Psychological Inquiry*,11(4), 293-298.

Fontana, D. & Valente, L. (1993). **A reversal theory approach to thecauses and treatment of stress in professional life.** *PatientEducation & Counseling* 22. 81-89.

Frey, K. P. , & Apter, M. J. (1997). **The art of experiencing: Reversal theory perspectives on optimal psychological health.** *Yale university. USA and George town university. USA.*

Kerr, J. H. (1997). **Motivation and emotion in sport: Reversal theory.**

Hove, England psychology press.

Khomk, V. & Burmaka, N. (1997). **Structural phenomenology and angersituations. Volyn state university** . Lutsk. Ukraine.

McAllister, M. , McKinnon, J. (2008). **The importance of teaching and learning resilience in the health disciplines: A critical review of the literature**, Nurse Education Today. in press.

Murgatroyd, S. (1981). Reversal theory: anew perspective on crisis counseling . British **Journal of Guidance and Counseling**, 9, 180. 192.

Santrock, j. w . (2004). **Education psychology** (2nd&3 nd) . new York : McGraw – hill.

Srivastava, S & Ect. (2010) . **Toward Interaction of Affective and Cognitive Contributors to Creativity in Bipolar Disorders: A Controlled Study**.**Department of Psychiatry and Behavioral Sciences** . 125(1-3). p27-34. (Retrieved May2011, from [www. sciences edirect. com](http://www.sciences.edirect.com))

Wong S. (2003). **Motivators to creativity in hotel industry**. Tourism Manag J. ;24(5):551-9.